

شرط بلاغ

محمد باقری *



آلبانی: نعیم فراشری (شاعر پارسی‌سرا)؛



آلمان: پل ارلیش (برندهٔ جایزهٔ نوبل ۱۹۰۸)، کارل فردریش گاوس (ریاضیدان)، یاکوب گریم (گردآورندهٔ افسانه‌ها - برادر بزرگتر)، ویلهلم گریم (گردآورندهٔ افسانه‌ها - برادر کوچکتر)، کلارا شومان (آهنگساز)، یوهان ولفگانگ گوته (شاعر)؛

اتریش: زیگموند فروید (روانکاو)، ولفگانگ آمادئوس موتسارت (موسیقی‌دان)، اروین شرودینگر (برندهٔ جایزهٔ نوبل)؛

ارمنستان: آرام خاچاطوریان (آهنگساز)، ویکتور آمبارتسومیان (دانشمند و از بنیانگذاران اختراع فیزیک نظری)، یقیشه چارنتس (شاعر، نویسنده و فعال اجتماعی)، هوانس تومانیان (نویسنده و فعال اجتماعی)، اوتیک ایساکیان (حماسه‌سرا، شاعر و فعال اجتماعی)، مارتیروس ساریان (نقاش)؛

اسپانیا: کریستف کلمب (کاشف آمریکا)؛

استونی: پاول کرس (استاد شطرنج)؛

اسرائیل: آلبرت اینشتین (برندهٔ جایزهٔ نوبل فیزیک در ۱۹۲۱)، ابن

میمون (فیلسوف و پزشک)؛

سر کوه بلند آمد عقابی
نه هیچش ناله‌ای نه پیچ و تاب
نشست و سر به سنگی هشت و جان داد
غروبی بود و غمگین آفتابی

اخوان ثالث

مرگ زود هنگام و باورنکردنی مریم میرزاخانی، نابغهٔ ریاضی و نخستین ایرانی و نخستین زن برندهٔ جایزهٔ جهانی ریاضی فیلدز، جامعهٔ ریاضی ایران و جهان را در بهت و اندوه فرو برد. اینجا و آنجا مراسم سوگواری و یادبود و بزرگداشت برایش برگزار شد و شاید روزی خیابان یا پژوهشکده‌ای به نام او خوانده شود. در زمان حیاتش، تالار خانهٔ ریاضیات اصفهان نام او را بر خود نهاد و پس از دریافت جایزهٔ فیلدز، کتابخانهٔ دانشکدهٔ ریاضی دانشگاه صنعتی شریف به نام مریم میرزاخانی مزین شد. ساختمان کتابخانه و آمفی تئاتر مدرسهٔ فرزندان شمارهٔ ۱ تهران پس از درگذشت او به نام «پروفسور مریم میرزاخانی» نام‌گذاری شد. خانهٔ ریاضیات هنجین (خلخال) در اقدامی تحسین‌انگیز به نام مریم میرزاخانی خوانده شد.^۱ نشریهٔ میراث علمی که با میراث علمی اسلام و ایران سر و کار دارد، مریم میرزاخانی را در یک چشم‌انداز هزار و دویست ساله، در ردیف محمد بن موسی خوارزمی، ابوریحان بیرونی، عمر خیام، نصیرالدین طوسی و جمشید کاشانی می‌بیند و چهرهٔ مریم میرزاخانی را زینت‌بخش پشت جلد این شماره کرده است. اما راستی چرا نباید چهرهٔ مریم میرزاخانی (و همچنین ریاضی‌دانانی که برشمردیم) روی اسکناس ایران چاپ شود. انجام این کار بیش از هر چیز حاکی از تعالی فرهنگی جامعه و بصیرت متولیان حیثیت معنوی کشورمان است. در جدول زیر فهرستی از کشورهای مختلف که چهرهٔ دانشمندان، هنرمندان، ادیبان، شاعران و ورزشکاران برجستهٔ خود را بر اسکناس چاپ کرده‌اند می‌آید. در بسیاری موارد روی اسکناس چهرهٔ رهبر، رئیس‌جمهور، پادشاه یا امیر آن کشور و بر پشت اسکناس تصویری از آثار تاریخی یا طبیعی مهم یا چهرهٔ بزرگان چاپ شده است. در فهرست زیر موارد سؤال برانگیزی هم وجود دارد، با این حال بهتر است از آن‌ها باخبر باشیم.

آذربایجان: نظامی گنجوی (شاعر پارسی‌سرا)؛

^۱ طبق مصوبهٔ مورخ ۳/۵/۱۳۹۶ ادارهٔ آموزش و پرورش منطقهٔ خورش رستم (استان اردبیل).



سید علی همدانی

اسکاتلند: سر والتر اسکات (نویسنده و شاعر)، الکساندر گراهام بل (مخترع تلفن)، لرد کلونین (ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و مهندس)، الکساندر فلمینگ (کاشف پنی‌سیلین): اسلوونی: یوریچ وگا (ریاضیدان)؛

انگلستان: چارلز دیکنز (نویسنده)، مایکل فاراده (فیزیک‌دان و شیمی‌دان)، اسحاق نیوتن (فیزیک‌دان، ریاضی‌دان و منجم)، فلورانس نایتینگل (پیشگام پرستاری نوین)، ویلیام شکسپیر (نمایشنامه‌نویس و شاعر)، چارلز داروین (طبیعی‌دان)، جین اوستن (نویسنده)، آدام اسمیت (اقتصاددان)، جیمز وات (مخترع)؛



رودکی



فلورانس نایتینگل

ترکمنستان: مختومقلی فراغی (شاعر)؛

اوکراین: تاراس شفچنکو (شاعر و ادیب)؛ ایرلند: جیمز جویس (نویسنده و شاعر)، جاناتان سوئیفت (طنزنویس و شاعر)، ویلیام باتلر ییتس (شاعر و برنده جایزه نوبل ۱۹۲۳)؛ ایتالیا: گولیلمو مارکونی (برنده جایزه نوبل ۱۹۰۹)، رافائل (نقاش دوره نوزایی)، آلساندرو ولتا (مخترع باتری)؛

پرتغال: واسکو دو گاما (جهانگرد و کاشف)؛ تاجیکستان: میرزا تورسون‌زاده (شاعر)، صدرالدین عینی (شاعر، نویسنده و تاریخ‌نگار)، میرسیدعلی همدانی (صوفی طریقت کبرویه، شاعر و دانشمند)، ابن‌سینا (دانشمند جامع‌العلوم)، رودکی (شاعر)؛



ترکیه: جلال‌الدین محمد بلخی (عارف و شاعر ایرانی)، آیدین صابیلی (تاریخ‌نگار علم)؛



ابن سینا

فرانسه: رنه دکارت (فیلسوف و ریاضیدان)، اوربن ژان ژوزف لووریه (ریاضی‌دان و منجم)، فرانسوا رنه دو شاتو بریان (نویسنده و ادیب)، ویکتور هوگو (شاعر و نویسنده)، لویی پاستور (شیمی‌دان و میکروب‌شناس)، ولتر (فیلسوف و روشنگر)، کلود-آشیل دبوسی (آهنگساز)، مونتسکیو (حقوق‌دان و ادیب)، بلز پاسکال (ریاضیدان، فیزیکدان و نویسنده)، آنتوان دوستن اگزوپری (نویسنده و خلبان)، پل سزان (نقاش)، گوستاو ایفل (مهندس و معمار)، ماری کوری و پیر کوری (فیزیکدان، پیر کوری برنده نوبل فیزیک ۱۹۰۳)؛ فنلاند: یان سییلیوس (آهنگساز)؛

فیلیپین: فردیناند ماژلان (نخستین کسی که دور کره زمین سفر کرد)؛

قزاقستان: فارابی (فیلسوف)؛



جلال‌الدین محمد بلخی



آبدین صایلی



کلمبیا: گابریل گارسیا مارکز (نویسنده و روزنامه‌نگار)؛

گرجستان: شوتا روستاولی (شاعر)؛

گوادلوپ: لویی-چارلز ماهه دولابوردونه (استاد شطرنج)، کریستف کلمب (کاشف آمریکا)؛

لهستان: نیکولا کوپرنیک (منجم)، ماری کوری (برنده جایزه نوبل فیزیک ۱۹۰۳ و شیمی ۱۹۱۱)، فردریک شوپن (موسیقی‌دان)؛



ماری کوری

مجارستان: بلابارتوک (موسیقی‌دان)، شاندور بتوفی (شاعر ملی)؛
نروژ: نیلز هنریک آبل (ریاضی‌دان)، ادوارد گریگ (موسیقی‌دان)؛



تونس: ابن خلدون (تاریخ‌نگار)؛

دانمارک: نیلز بور (برنده جایزه نوبل فیزیک ۱۹۲۲)، هانس کریستیان آندرسن، (شاعر و گردآورنده افسانه‌ها)؛

ژلاندنو: لرد راترفورد نلسون (برنده جایزه نوبل شیمی ۱۹۰۸)؛

سورینام: آنتونی نستی (برنده مدال طلای شنای پروانه در المپیک ۱۹۸۸)؛

سوئد: اینگمار برگمن (فیلمساز و فیلمنامه‌نویس)، کارل لینه (گیاه‌شناس)؛

سوئیس: لئونارد اویلر (ریاضیدان و فیزیکدان)؛

صربستان: میلوتین میلانکوویچ (ریاضیدان و منجم)؛

عراق: حسن بن هیثم (ریاضیدان، منجم و نورشناس)؛

ما دیده نمی‌شود. با این همه، تا همین امروز، حتی زبده‌ترین نهادهای پژوهشی کشور هم از تعدیل سازوکار ارزیابی خود به گونه‌ای که این سبک درخشان از فعالیت علمی در آن ممکن باشد سر باز می‌زنند. تا زمانی که چنین بیماری ساختاری‌ای در جامعه علمی کشور پابرجاست، نسبت دادن کم بودن تعامل چون اویی با جامعه علمی کشور به دلایل حاشیه‌ای، سر در برف فرو کردن را می‌ماند.»^۲

پرویز ناتل خانلری، بنیان‌گذار «بنیاد فرهنگ ایران» و مجله سخن (در حوالی سال ۱۳۵۰) در نامه‌ای خواندنی به کودکش (که به علت مرگ نابهنگام در ۹ سالگی آن را خواند) می‌نویسد: «... ملتی که رو به انقراض می‌رود، نخست به دانش و فضیلت بی‌اعتنا می‌شود» و کمی بعد از «دیو فساد» شکوه می‌کند و می‌افزاید: «... اگر وضع چنین بماند، هیچ لازم نیست که حادثه‌ای عظیم ریشه وجود ما را برکند، ما خود به آغوش فنا می‌شتابیم.»^۳

* سردبیر مجله میراث علمی اسلام و ایران

این مقاله از مجله میراث علمی اسلام و ایران ۱۱، تابستان ۹۶ باز نشر شده است.

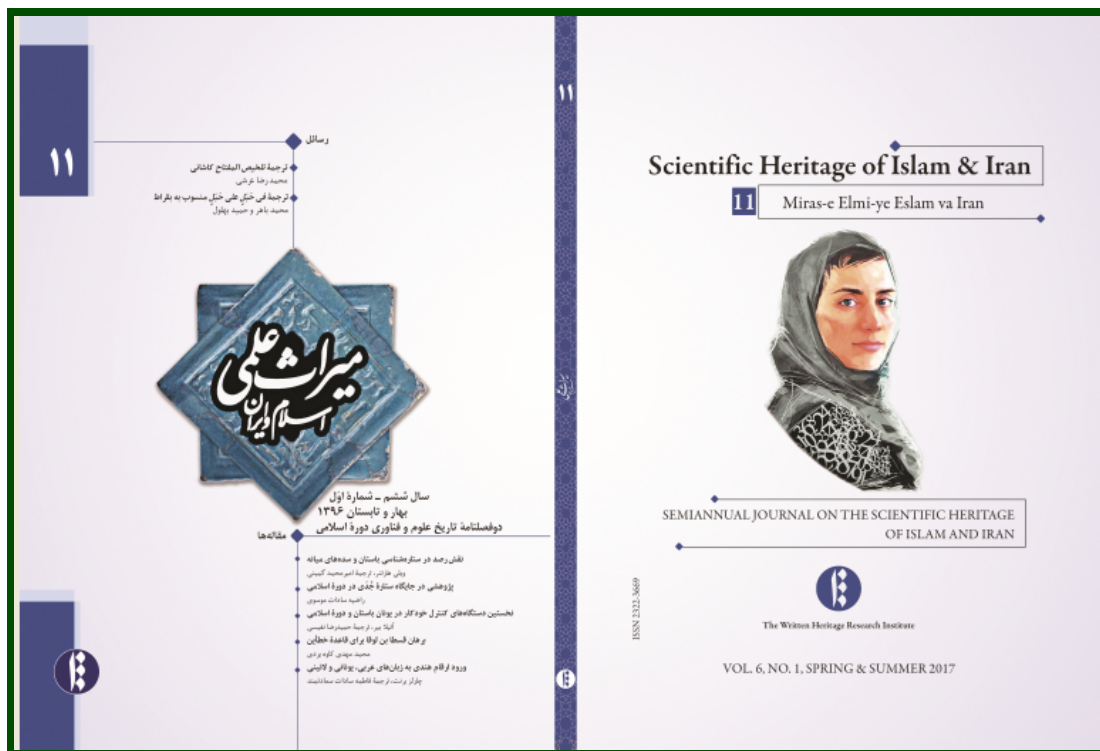
هنریک ایسن (نمایشنامه‌نویس):

وایمار: ورنر فون زیمنس (مخترع و صنعت‌گر، بنیان‌گذار شرکت زیمنس)؛

هلند: باروخ اسپینوزا (فیلسوف)؛

یوگسلاوی: نیکولا تسلا (فیزیک‌دان، مخترع و مهندس برق).

پس چرا نباید چهرهٔ مریم میرزاخانی روی اسکناس ایران چاپ شود؟ یکی از ریاضیدانان ایرانی معاصر که مقالاتی دربارهٔ زندگی و دستاوردهای مریم میرزاخانی نوشته است می‌گوید: «... پروژهٔ بزرگ مریم میرزاخانی که تحسین ریاضیدانان دیگر را برانگیخت و جایگاه مریم میرزاخانی را به عنوان یکی از شاخص‌ترین ریاضیدانان دهه‌های اخیر تثبیت کرد ... در قالب سه مقاله به جامعهٔ ریاضی عرضه شد که برخی هنوز به چاپ نرسیده‌اند. مریم میرزاخانی کم و بسیار گزیده نوشت. کارهای او اما، بر خلاف کارهای تعداد قابل توجهی از اعضای جامعهٔ ریاضی در جهان، بی‌اندازه تأثیرگذار و ماندگار هستند. جای تأمل بسیار دارد که نظام دانشگاهی ما، با ساختار فعلی ارزیابی و ارتقای آن، چون اویی را چندان فعال ارزیابی نمی‌کند. مریم میرزاخانی، پس از فارغ‌التحصیلی از دورهٔ دکترا، در مدت ۱۳ سال، ۱۳ اثر پژوهشی به جامعهٔ ریاضی عرضه کرد که کیفیت آن‌ها در ارزیابی‌های کمی‌گرای



^۲ مقالهٔ ایمان افتخاری در نشریهٔ رشد ریاضی ویژهٔ مریم میرزاخانی (تابستان ۱۳۹۶) و دانستنیها، شمارهٔ ۱۸۴، ۷ مرداد ۱۳۹۶، ص ۵۵.

^۳ گیلان ما، سال ۱۷، شمارهٔ ۱ (پیاپی ۶۴)، بهار ۱۳۹۶، ص ۴۴-۴۵.